

تفاوت های انسانی و مفهوم برابری حقوق^۱

همواره شاهد بوده ایم بسیاری از افراد با تمسک به وجود تفاوت های طبیعی، اجتماعی، عقیدتی و غیره در میان انسانها، برابری و تساوی حقوق آنها را انکار نموده اند. اما آیا واقعاً تفاوت های انسانی در بهره مندی برابر ابنای بشر از حقوق انسانی تاثیر گذارند؟ دیدگاه های مختلفی در این رابطه وجود داشته و دارد، در اینجا از منظر حقوق بشر به آن می پردازیم.

سخن اول: تردیدی نیست که انسان ها از جهات مختلف با هم متفاوت اند. برخی زن هستند و برخی مرد، برخی کودک اند و برخی بزرگسال، برخی معلول ذهنی و یا جسمی هستند و برخی غیر معلول، برخی ثروتمند اند و برخی فقیر، برخی دارای قدرت و توانایی جسمی و بدنی و یا توانایی بالای فکری و ذهنی هستند و برخی فاقد این قدرت یا توانایی ها هستند و... اما صرفنظر از این عوارض همه انسان ها، علیرغم تنوع و گوناگونی، از یک ساختار ژنتیکی برخوردارند که آنها را از سایر موجودات مجزا می کند و اصطلاحاً به آن ژنوم انسانی گفته می شود.

سخن دوم: از منظر حقوق بشر، همین که موجودی دارای ژنوم انسانی باشد، بشر است.^۲ کلیه ابنای بشر بطور طبیعی، دارای نیازهایی از قبیل نیاز به زیستن شرافتمندانه، نیاز به غذا و آب سالم، نیاز به امنیت، نیاز به آموختن و دانستن، نیاز به انتخاب کردن و تصمیم گرفتن و... هستند. این نیازها و همچنین برخی ضرورت های حیات اجتماعی، مبنای پذیرش امتیازات، توانایی ها و آزادی هایی برای انسان ها می شود که اصطلاحاً به آنها حق های انسانی اطلاق می گردد. از آن جایی که همه ی انسان ها در انسان بودن با هم برابر اند و هیچ کس انسان تر از دیگری نیست، یا برخی کمتر از دیگران انسان نیستند. در نتیجه همه افراد بشر دارای حقوق و آزادی های انسانی برابر با هم هستند و از حقوق بشر بطور برابر متمتع اند.

سخن سوم: در حقوق بشر، زمانی که از برابری و تساوی میان انسان ها صحبت می کنیم، با دو مفهوم روبرو هستیم. یکی «افراد برابر» و دیگری «محتوای برابری». تفکیک میان این دو مفهوم بسیار مهم و ضروری

^۱ این مقاله پیش از این در خبرنامه کانون وکلای دادگستری اصفهان، شماره ۴۶، اردیبهشت ۸۹ به چاپ رسیده است.

^۲ بنگرید به ماده ۱ اعلامیه جهانی ژنوم انسانی و حقوق بشر (مصوب ۱۹۹۷ - یونسکو): «ژنوم انسانی بر وحدت بنیادین همه اعضای خانواده بشری و شناخت کرامت ذاتی و تنوع آنها تاکید می کند. به مفهوم نمادین ژنوم انسانی میراث مشترک بشریت است» قابل دسترس در: <http://portal.unesco.org/en/>

است و نباید بین این دو خلط شود و گرنه ممکن است به لحاظ وجود تفاوت های انسانی، تمتع برابر از حقوق بشر را انکار کنیم و یا بالعکس به لحاظ عدم توجه به وجود این تفاوت ها از لزوم استیفای برابر از حقوق در هر شرایطی سخن برانیم که امری است نه ضروری و نه امکان پذیر. آنجایی که به تعریف انسان می پردازیم، در حوزه «تعیین افراد برابر» قرار داریم. اما آنجایی که از این سخن می گوئیم که این افراد برابر، در چه چیز و در چه شرایطی با هم برابرند، در حوزه «تعیین محتوای برابری» قرار گرفته ایم. در این حوزه دو مفهوم مطرح است: یکی «برابری در تمتع» و دیگری «برابری در استیفاء».

سخن چهارم: تفاوت های انسانی از قبیل تفاوت های جنسیتی، تفاوت های جسمی و ذهنی و... در بهره مندی و تمتع برابر افراد از حقوق بشر هیچ گونه اثری ندارند. به صرف انسان بودن، همگان از این حقوق بطور برابر متمتع اند، اما صرف تمتع برابر از حقوق انسانی لزوماً به معنای امکان استیفای برابر در هر شرایطی نیست. به هنگام استیفاء و اجرای حقوق بشر، نقش تفاوت های انسانی قابل تامل است. از منظر موازین حقوق بشر، در قالب یک روند دموکراتیک و با رعایت ضوابطی، می توان نوعی اهلیت استیفاء جهت اجرای برخی از حقوق بشر، مقرر داشت، منوط و مشروط به این که چارچوبه ی این اهلیت موجب یک نابرابری ناموجه میان انسان ها نگردد. به تعبیر بهتر می توان برای بکارگیری و اجرای حقوق انسانی، وجود یا حصول به شرایطی را در افراد مقرر داشت که از نظر عقلی و علمی کاملاً قابل توجیه باشند. در این رابطه چند نمونه ذکر می شود:

اجرای حق مشارکت در اداره امور عمومی

همه ی انسان ها به صرف انسان بودن، بطور برابر، دارای حق تعیین سرنوشت و حق اداره زندگی خود هستند. قسمت مهمی از زندگی هر فرد، حوزه عمومی آن است. مشارکت در اداره این حوزه یکی از حقوق بنیادین بشر است. با این حال برای مشارکت در مدیریت یک جامعه یا یک کشور و تصدی امور مملکتی، داشتن سلامت روانی و قدرت تعقل و تجربه و تعلق خاطر به سرزمین و جامعه و فرهنگ آن کشور، امری کاملاً معقول و ضروری است. کودکان، اصولاً فاقد تجربه و تخصص و قدرت تعقل و تصمیم گیری لازم در این زمینه می باشند. معلولان ذهنی و روانی نیز همین گونه اند. همچنین کاملاً پذیرفتنی است، یک فردی که برای مثال، اصالت و تابعیت غیر ایرانی دارد و شهروند ایران محسوب نمی شود، به دلیل عدم تعلق خاطر به سرزمین و فرهنگ ایران، نتواند به نحو شایسته در مدیریت این کشور مشارکت نماید. از این رو نمایندگان یک جامعه می توانند به دلیل وجود چنین واقعیت هایی و به منظور رعایت مصالح عمومی و ملی، برای

متصدیان و یا برای انتخاب کنندگان آنها، حداقلی از شرط سن، یا حداقلی از تحصیلات و تخصص و یا شرط شهروندی و تابعیت را مقرر دارند.

اجرای حق بر ازدواج و تشکیل خانواده

همه ی افراد بشر از ابتدای حیات، بطور برابر، دارای حق بر ازدواج و تشکیل خانواده هستند. لیکن این واقعیت دارد که تصمیم گیری های درست و آگاهانه و انجام مسوولیت های مربوط به زندگی مشترک و همچنین دارا شدن توانایی های مربوط به تولید نسل و زایمان و... نیازمند رسیدن به دوره ی سنی خاصی است که در آن دوره، علی الاصول اغلب افراد، می توانند این امور را به انجام برسانند. بنابراین تعیین حداقل سن ازدواج برای اجرای این حق، کاملاً معقول و مبتنی بر واقعیات است.

اجرای حق بر مالکیت

کلید افراد از حق مالکیت و آزادی های مربوط به آن بطور برابر بهره مند هستند. بموجب این حق، افراد می توانند کسب درآمد کنند، به فعالیت های اقتصادی دلخواه پردازند و در چارچوب قانون، اموال و دارایی مورد نیاز و مورد علاقه خود را تملک نمایند و... لیکن وجود برخی تفاوت های ذهنی و جسمی و یا داشتن برخی دانش ها و تخصص ها، همچنین وجود تفاوت در شیوه های زندگی و تفاوت در موقعیت های اجتماعی و ... میان انسان ها، همواره موجب این شده است که برخی افراد از دارایی بیشتر و برخی از دارایی کمتری برخوردار گردند. بسیاری از افراد هستند که علیرغم تلاش فراوان ممکن است به دلیل تفاوت های گفته شده، نتوانند در طول دوران زندگی خود بیشتر از میزان معینی درآمد و دارایی کسب کنند. به همین خاطر برای این قبیل افراد لازم است حداقلی از فرصت ها و امکانات فراهم شود، تا امکان اجرا و تحقق این حق - حق بر مالکیت - بوجود آید. در این راستا دولت ها می توانند و بلکه موظف اند با لحاظ این واقعیات و به منظور ایجاد حداقل فرصت ها و امکانات و در جهت تامین عدالت اجتماعی، برخی تدابیر و اقدامات ضروری را که فی نفسه متضمن نابرابری هایی نیز هست، مد نظر قرار دهند. مثلاً در زمینه پرداخت مالیات از بخشودگی های مالیاتی برای افرادی که دارای درآمدی کمتر از یک حداقل معین هستند، استفاده نمایند و یا اینکه به این دسته از افراد به طرق مختلف، وام، یارانه و سایر تسهیلات ارائه نمایند.

این قبیل تفاوت گذاری ها و محدود سازی ها علیرغم اینکه یک نوع نابرابری میان افراد در استیفای از حقوق شان ایجاد می کند، اما تبعیض تلقی نمی شود. از نظر کمیته حقوق بشر، «هرگونه رفتار نابرابر در صورتی که معیار و ضابطه ی چنین تفاوت گذاری معقول و عینی باشد و مقصود از آن دستیابی به هدفی باشد که طبق میثاق توجیه پذیر است، متضمن تبعیض نخواهد بود.»³ تبعیض زمانی اتفاق می افتد که صرفاً

³. General Comment No.18. Adopted by the human rights committee. para: 13.

بخاطر وابستگی به یک مذهب یا نژاد خاص و یا به علت زن یا مرد بودن و امثال آن، اساساً تمتع برابر از همه یا برخی از حقوق انسانی را از افراد سلب یا با محدودیت مواجه کنیم و یا اینکه به دلایل موهوم و غیر واقعی و صرفاً به علت وجود تفاوت های انسانی، استیفای برابر از همه یا برخی از حقوق بشر را انکار نموده یا محدود نماییم.

سخن پایانی: انسان ها همگی از حقوق انسانی بطور برابر بهره مند اند، لیکن هنگامی می توانند این حقوق برابر را بطور برابر نیز استیفا نمایند که واجد اهلیت استیفای آن نیز باشند. ضوابط و معیار هایی که چارچوبه ی این اهلیت را تعیین می نمایند، می توانند مبتنی بر برخی تفاوت های انسانی باشند، منوط به اینکه با لحاظ واقعیات عینی و دلایل مسلم عقلی، نابرابری که در پی آن ایجاد می شود را کاملاً توجیه نمایند. به سخن دیگر تفاوت های انسانی از قبیل تفاوت های جنسیتی، تفاوت های جسمی و ذهنی و... در بهره مندی و تمتع برابر افراد از حقوق بشر هیچ گونه اثری ندارند، اما همین تفاوت ها در شرایط و نحوه ی استیفاء و اجرای حقوق بشر، می توانند اثر گذار باشند. فراموش نکنیم که همواره اصل بر برابری است. در تعیین افراد برابر و در شناسایی حقوق، این اصل مطلق است. اما در هنگام استیفاء و اجرای حقوق بشر، این اصل، استثنا پذیر است. یعنی می توان به شرط وجود دلایل کاملاً معقول و مبتنی بر واقعیات عینی، نابرابری هایی را در نظر گرفت. این سخن منافاتی با موازین حقوق بشر و لزوم رعایت اصل برابری ندارد.